

بنیادگرایی عرضه می شوند. بر این اساس من معتقدم، متفکران و دولتمردان جدید ایران، همچنان درمسند و موقعیت الگودهی به جهان اسلام است. البته مقاومتهایی در برابر این وضعیت وجود دارد اما به گمان من در آینده، این مقاومت ها بشدت تضعیف و منزوی خواهند شد. به هر تقدیر، تجربه ایران بسیار مهم است.

گفتگو با دکتر عزمی بشاره

منبع ترجمه:

W.W.W Moheet. com

ترجمه: عبدالرضا همدانی کارشناس مرکز

پژوهشهای علمی و مطالعات

استراتژیک خاورمیانه

سفر دکتر عزمی بشاره شخصیت معروف

فلسطینی و عضو کنیست اسرائیل به برلین

پایتخت آلمان جهت مشارکت در همایشی برای

حمایت از انتفاضه بار دیگر مسئله «فلسطینیان

۱۹۴۸، را در سطحی عقلانی و عملی تر مطرح

ساخت. در حالی که وضعیت سرزمینهای اشغالی

فلسطین روز به روز بحرانی تر می شود، عزمی

بشاره همچنان برای حفاظت از هویت عربی

فلسطینیان ساکن در مناطق کمربند سبز که تحت

تسلط اسرائیل می باشد و ممانعت از «اسرائیلی

شدن» فلسطینیان این مناطق تلاش می نماید. وی

در همایش برلین سخنان حافظ اسد رئیس جمهور

سابق سوریه را که بر تداوم مقاومت و استقامت

فلسطینیان و همبستگی اعراب برای مبارزه و نبرد

و حمایت از حماس و حزب الله و جهاد اسلامی به

عنوان جنبشهای مقاومت علیه اشغالگران تاکید

نموده بود، مورد تأیید قرار داد.

به نظر راستگرایان اسرائیلی فعالیت‌های دکتر عزمی بشاره در جهت نابودی اسرائیل و حمایت از سازمان‌های تروریستی و کشور‌های دشمن می‌باشد و به همین دلیل لغو مصونیت پارلمانی وی اعلام شد تا بدین ترتیب مقدمات محاکمه او فراهم آید. راستگرایان خواهان انحلال حزب تجمع ملی دمکراتیک عربی هستند و وی را متهم به خیانت به اسرائیل کرده‌اند. همچنین «ایلی بشای» وزیر کشور اسرائیل خواستار سلب گذرنامه و ملیت اسرائیلی وی شده و عزمی بشاره تاکنون چندین بار تهدید به قتل شده است.

در این مصاحبه سعی شده است تا با صراحت کامل وضعیت اعراب ساکن در سرزمین‌های تحت تسلط اسرائیل مورد بررسی قرار گیرد، همچنین سعی شده است تا با استفاده از نقطه نظرات شخصیتی که در میان اسرائیلی‌ها زندگی می‌کند وضعیت اسرائیلی از درون آن ارزیابی شود. مهمتر از همه این که درصدد هستیم تا بدانیم که آیا باید راهی آسان را در پیش بگیریم و فلسطینیان ۱۹۴۸ را متهم به خیانت و مزدوری کنیم و یا راه دشوار انتخاب کنیم و برای این که فلسطینیان ۱۹۴۸ اسرائیلی نشوند از هویت عربیشان حمایت کنیم. در این مصاحبه قصد دفاع یا حمله را نداریم بلکه فقط می‌خواهیم آگاه شویم.

س: آقای دکتر عزمی بشاره چرا در همایش حمایت از انتفاضه در برلین به زبان آلمانی سخنرانی کردید؟

بشاره: تلاش کردم تا از این طریق میزان فریبکاری رسانه‌های غربی را که از خشونت فلسطینیان سخن می‌گویند، آشکار سازم و تأکید کنم که این یک خشونت معمولی نیست بلکه مقاومتی است علیه خشونتی دیگر، علیه خشونتی واقعی به نام اشغالگری، محاصره اقتصادی، حملات موشکی، شهرک‌سازی، زندانی کردن بدون محاکمه، کشتن کودکان و استفاده از سلاح‌هایی که در عرصه بین‌المللی غیر مجاز می‌باشند. من به زبان آلمانی سخن گفتم تا به سیاستمداران آلمانی تأکید کنم که دولت کنونی اسرائیل دولتی جنایتکار است و بسیار بدتر از حکومت «هایدر» در اتریش است.

شارون یک نظامی است که ارتباطی با سیاست نداشته است. او و وزیر دفاعش «بنیامین بن الیعازر» در جریان جنگ ژوئن ۱۹۶۷، سیصدوپنجاه اسیر مصری را قتل عام کردند و تمامی این موارد در کتاب «عوری ملت‌تاین» ثبت شده است.

س: آیا از عملکرد اعراب ساکن در

کشورهای غربی در زمینه انتقال نظرات
عربی از طرق سیاسی و تبلیغاتی
راضی هستید؟

بشاره: نزدیکی بیشتر اعراب به افکار
عمومی اروپا و تأثیرگذاری بر آن کاملاً مورد
نیاز است. هم اکنون تمامی اقلیتهای قومی
ساکن در اروپا به پارلمانهای اروپایی راه
یافته اند بجز اعراب. این نبرد و مبارزه به
بردباری نیازمند است و راههای کوتاه و
میان بر فایده ای ندارد.

س: نظر تان در رابطه با موضعگیری

رسمی اعراب از انتفاضه
فلسطین چیست؟

بشاره: تحرک اعراب از آغاز انتفاضه
هرگز همچون ابر بهاری نبوده بلکه
حمایتهای متنوعی صورت گرفته است. البته
بجز برخی از شبکه های ماهواره ای که سعی
در افسرده نمودن مردم و از بین بردن روحیه
آنها را دارند. با این وجود باید از این
جنب و جوش بهتر استفاده کرد.

س: اما آیا شارون در اجرای

مأموریتی که برای آن انتخاب شده بود

یعنی نابودی انتفاضه موفق نشد؟

بشاره: اگر از وضع موجود به درستی
استفاده شود، کوششهای شارون با شکست
مواجه خواهد شد. بویژه اینکه او قبلاً هم در
لبنان و غزه شکست خورده است.

این ضروری است که یک مبارز ایمان
داشته باشد که قادر به کسب پیروزی است
و گرنه شکست خواهد خورد. شارون
«سوپرمن» نیست و گزینه های محدودی
دارد. مخصوصاً بعد از مخالفت اعراب با نقشه
کالین پاول که می خواست عراق را به عنوان
قضیه اصلی جهان عرب مطرح کند. اما
سیاستمداران عرب پافشاری کردند که
فلسطین قضیه اصلی است و همین امر منجر
به ادامه انتفاضه توسط ملت فلسطینی شد
که نیروی خود را از خون شهدا می گیرد.

س: آقای دکتر فرق بین اولین

انتفاضه در سال ۱۹۸۷ و انتفاضه
فعلی چیست؟

بشاره: در آن تاریخ من استاد دانشگاه
«برزیت» بودم. انتفاضه اول، مقاومت علیه
فشارها بود اما انتفاضه دوم مخالفت با

راه حل‌های غیر عادلانه ارائه شده توسط کلینتون و باراک بود. این انتفاضه یک انتفاضه سیاسی با اهداف واضح سیاسی می‌باشد و تنها ایجاد آشوب و بلوا توسط چند نوجوان نیست. بعضی‌ها در رسانه‌های غربی می‌گویند فلسطینیها بخاطر یک دولت فلسطینی جدید می‌جنگند، اما در حقیقت ما احتیاجی به تشکیل بیست و سومین دولت عرب و برپایی مؤسسات دولتی، پلیس و زندان برای مردم فلسطین نداریم. ملت فلسطین بخاطر عدالت و آزادی می‌جنگند. فلسطینیان از همان ابتدا با شهرک‌سازی مخالف بودند و از حق بازگشت سایر فلسطینیان حمایت می‌کنند، بنابراین چگونه توقع داریم که فقط برایشان دولت تشکیل شود.

س: انتفاضه فلسطین را چگونه تحلیل و توصیف می‌کنید؟

بشاره: ملت فلسطین در بدترین شرایط سیاسی دست به قیام زد. در دهه هشتاد فلسطینیان بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، مهاجرت روسها به اسرائیل، جنگ خلیج فارس و آنچه که «نظم نوین جهانی» و یا

س: در پرتو فشارهای بین‌المللی و ضعف کشورهای عربی، آینده انتفاضه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بشاره: طرح این سؤال که آیا انتفاضه استمرار خواهد یافت، مغرضانه است. باید سؤال این باشد که آیا از انتفاضه حمایت می‌کنید یا خیر؟ آیا به انتفاضه کمک

خواهید کرد تا استمرار یابد؟ به نظر من نباید کشور های عربی به صورت جداگانه با مقامات غربی دیدار نمایند بلکه باید یک هیأت عربی مشترک برای مذاکره در مورد قضیه فلسطین با اروپا و ایالات متحده تشکیل گردد. این همان چیزی است که در حال حاضر منتظر آن هستیم. نه این که بخواهند ما را امتحان کنند که آیا موفق می شوید یا نه؟ ادامه می دهید یا نه؟ این

همان روشی است که بعضی از سیاستمداران و اندیشمندان عرب دنبال می کنند و می پرسند آیا شارون موفق می شود یا نه؟ نباید منتظر بمانیم که در اسرائیل چه اتفاقی خواهد افتاد بلکه باید از خودمان بپرسیم که چه می خواهیم انجام دهیم تا شارون موفق نشود؟ باید برای پاسخ به این سؤال به خودمان اعتماد کنیم. علیه شارون چگونه اقدام نماییم؟ در اسرائیل چپ گرایان شکست خورده اند و دولت شارون در صورتی که مشکل خاصی بوجود نیاید ادامه خواهد یافت. انتفاضه در شرایط فعلی در حال دفاع از خود در درون سرزمینهای خود می باشد و نقشه اسرائیل این است که زندگی اقتصادی- اجتماعی

فلسطینیان را نابود سازد به طوری که هیچ چیز جز مقداری خوراکی نداشته باشند. اسرائیلیها از سوزندان خانه های موجود در خط تماس و یا حتی در داخل سرزمینهای فلسطینی سخن میان آورده اند، اما این سرنوشت محتوم ما نیست بلکه با مبارزه موفق خواهیم شد و هیچ مبارزه ای بدون شهید و مجروح باقی نمی ماند.

س: آیا راه حل واضحی وجود دارد؟
بشاره: من منتظر دیدن راه حل های ریشه ای در کوتاه مدت نیستم. به عنوان یک لیبرال دمکرات معتقدم که همه این ملت باید حرکت کنند نه این که به صورت قبیله ای و عشیره ای کاری صورت گیرد. باید هدفی عملی به منظور پیروزی بر اسرائیل ترسیم شود نه این که اقداماتی پراکنده و بی هدف انجام پذیرد که طبیعتاً نتیجه ای پراگماتیستی نخواهد داشت.

س: به عنوان یک عرب ملی گرا
واکنش مردمی اعراب را چگونه
تفسیر می کنید؟
بشاره: اخیراً شاهد بروز تغییرات

محافظت می کنند. به اعتقاد من حزب «تجمع ملی دموکراتیک» که در سال ۱۹۹۴ تأسیس شد و ریاست آنرا به عهده دارم، روش پربرخوردتری را در پیش گرفت و بین صهیونیسم و مساوات چالش بوجود آورد. این چالش منجر به درگیری اعراب داخل با پلیس و نیروهای مرزی اسرائیل شد و علی رغم تهدیدات اسرائیل در اکتبر گذشته ۱۳ شهروند عرب به شهادت رسیدند.

س: ما واقعاً نمی فهمیم شما به عنوان یک عرب ملی گرا چگونه به جای اینکه خواستار تحقق وحدت عربی باشید، خواهان شهروندی در دولت اسرائیل هستید؟

بشاره: متأسفانه، حقوق شهروندی می بایستی که جزئی از مفهوم ملی گرایی عربی قرار می گرفت، اما دوری جهان عرب از دمکراسی، لیبرالیسم، آزادی و حقوق بشر منجر به این شکاف شد و این یکی از علل بحران اندیشه عربی است.

مهمترین کار، پیگیری نگرانیهای مردم و حقوق شهروندان عرب است و اگر تا زمان تحقق وحدت عربی، استیفای این

واضحی در افکار عمومی جهان عرب بوده ایم. حتی شاهد بروز تغییرات واضحی در افکار عمومی جهان و سایر کشورهای خلیج فارس بودیم در حالی که پیش از این هرگز در آن کشورها تظاهراتی برپا نشده بود. همچنین در کشورهای مثل مغرب، مصر، لیبی و عراق هم تظاهراتی صورت گرفت. بنابراین باید از همبستگی اعراب با انتفاضه بهره گرفت و از انتفاضه حمایت مادی و معنوی کرد و مانع از تداوم سیاستهای قلع و قمع شارون شد. من قبل از این که فلسطینی باشم یک عرب هستم و آرمانهای ملی-عربی دارم. از خودم می پرسم اگر اسرائیل توانست از یکصد و ده کشور جهان، شهروندانی را به اسرائیل بیاورد و با یک زبان با هم صحبت کنند، ما هم می توانیم با انرژی کمتری اعراب را متحد کنیم.

س: حزب شما برای انتفاضه فلسطین چه کاری می تواند انجام دهد؟
بشاره: در پنج سال اخیر مطالبات سیاسی اعراب داخل به طور واضحی تغییر کرده است. آنها اعتماد به نفس بیشتری یافته اند و از هویت فلسطینی خویش

حقوق به تعویق افتد به هیچ چیز نمی‌رسیم زیرا پروژه ملی‌گرایی عربی، دموکراتیک کردن جامعه ملی عربی می‌باشد.

س: آیا این توجیه برای این که متقاضی شهروندی در اسرائیل باشید، کافیست؟

بشاره: متأسفانه زمانی که از شهروندی در اسرائیل سخن می‌گوییم، دچار تناقض می‌شویم. ما مجبور به تعامل با شهروندی در دولتی هستیم که بر ما تحمیل شده است و آنرا انتخاب نکرده‌ایم. در وضع موجود گزینه دیگری نداشتیم. من پس از شکست سال ۱۹۵۶ به عنوان یک شهروند اسرائیلی به دنیا آمدم و باید کوشش می‌کردم تا تابعیت اسرائیلیم به فرآیندی که هویت و قومیت من را از میان ببرد، تبدیل نشود و از همین جا بود که اصطلاح دولت شهروندان را مطرح ساختیم تا در فرآیند اسرائیلی شدن ذوب نشویم، دولت عبری تا زمانی که دولت یهودی باشد هرگز مساوات رعایت نخواهد کرد. ما با این اقدام نشان دادیم که صهیونیسم و مساوات نمی‌توانند در کنار هم قرار گیرند.

س: چگونه می‌توانید این معادله غیر قابل اجرا را به نتیجه برسانید؟

بشاره: بخش عمده‌ای از اعضای «تجمع ملی دموکراتیک» انتخابات در اسرائیل را تحریم می‌کردند و خواستار آزادی فلسطین بودند. ولی این گروه از نگرانیهای روزمره مردم دور بودند و به همین دلیل طرفداری بدست نیاوردند. از این روبه مشکلات شهروندان با پافشاری برمانعت از اسرائیلی شدن، توجه جدی نمودیم. مردم فقط به شعار دلشان را خوش نمی‌کنند. آنها می‌خواهند به دانشگاه بروند صاحب مسکن شوند، کسب و کار داشته باشند و خانه‌های مصادره شده خویش را باز پس گیرند. حال ما چه بخواهیم و چه نخواهیم باید از ابزارهای مبارزه در داخل اسرائیل که کنیست و دادگاههاست استفاده می‌کردیم. هدفمان پاسخ به این سؤال بود که چگونه مانع از اسرائیلی شدن و صهیونیست شدن بشویم؟ با توجه به این رویکرد بود که جناح ملی را که بدنبال کسب حقوق مدنی، بدون از دست دادن هویت ملی بود، تأسیس کردیم.

س: آیا در این راه موفق شدید؟

بشاره: این نبرد آسان نیست، گروه‌هایی هستند که در صدد تبدیل حزب تجمع به حزبی غیر قانونی می‌باشند. به عنوان مثال در زمان تشکیل حزب، وزارت اطلاعات اسرائیل اشکال تراشی نکرد اما در آغاز انتقال و پس از اهدای کمک‌های مردمی از سوی حزب، بیانیه‌ای صادر نمود که روزنامه «هاآرتز» آن را منتشر ساخت و ما را مسئول همه این وقایع معرفی کرد. از سوی دیگر همانند فلسطینیان ساکن در کرانه غربی و نوار غزه، ما نیز تحت پیگرد قرار می‌گیریم آن هم نه براساس قوانین اسرائیل. مثلاً یکی از اعضای کمیته اداری بدون هیچ محاکمه‌ای در زندان است. نیروهای اطلاعاتی همیشه بدنیاالمان هستند و همچون زمان حکومت نظامی ما را به انواع مختلف تهدید می‌کنند. برای محاکمه ما اقداماتی صورت می‌گیرد و باید کاملاً محتاط باشیم اما با این حال آماده تحمل نتایج فعالیت‌های خویش هستیم.

اسرائیلی. شما اعراب داخل هستید یا اعراب اسرائیلی یا اعراب ۱۹۴۸؟
بشاره: این مسئله زمانی مطرح شد که نقش اعراب داخل قوت گرفت و این امر در حد خود یک امر مثبتی بود. اما متأسفانه به اعراب داخل به معیار دوگانه معروف خوب یا بد، صحیح یا غلط و حلال یا حرام برخورد می‌شود. حتی بسیاری از سکولارها و پیروان جناح ملی هم این گونه می‌اندیشند. در حالی که همین ملی‌گرایان عرب هم مصون از خطا نیستند. آنها قرارداد «سایکس-پیکو» را پذیرفتند، وارد وزارتخانه‌ها شدند، از ملیت خویش دست کشیدند و پس از خروج از مسند وزارت بار دیگر ملی‌گرا شدند.
نباید با اعراب داخل همچون اردنیها، مصریان و یا اعراب هر کشور عربی دیگر برخورد کرد. مخصوصاً این که جناح ما از ابتدا تاکنون مخالف با موافقتنامه «کمپ دیوید» بوده که با مطالبات اعراب منطبق نیست.

س: بسیاری از شهروندان عرب نمی‌فهمند چگونه یک فرد می‌تواند در یک زمان هم فلسطینی باشد و هم

س: آیا این سخن شما بدان معنی است که بدون احتیاط با اعراب داخل تعامل داشته باشیم؟

بشاره: مسلماً نه، من از همه اعراب داخل، دفاع نمی‌کنم. در آنجا بعضی از احزاب عربی با احزاب صهیونیستی رابطه دارند. بعضیها مزدور و جاسوس اسرائیل هستند و بعضی هم در حزب شارون عضویت دارند. به عنوان مثال عاقلانه نیست که با «صالح طریف» ارتباط داشت، ضمن این که جاسوسان اسرائیل ممکن است برای کشور دیگری هم جاسوسی کنند. حتی یک جنبش اسلامی فلسطین در کمیسیون امنیت و روابط خارجی کنیست عضو دارد در حالی که ما مخالف مشارکت در کمیسیونها هستیم. من هرگز به نمایندگی از اسرائیل به خارج سفر نکرده‌ام و هیچ وقت هم این کار انجام نخواهم داد.

س: با این وجود برخی از اعراب معتقدند که تعامل با شما نوعی عادی سازی قلمداد می‌شود؟

بشاره: تعامل با ما امری طبیعی است و عادی سازی به شمار نمی‌رود، ما محتاج تأیید هیچ کس چه از نظر مبارزه و چه به لحاظ فداکاریها نیستیم. ما واقعاً وضعیتی را تحمل کرده ایم که هیچ کس تحمل

نکرده است و در عین حال از هویت فلسطینی و قومیت عربی خود محافظت کردیم در حالی که چنین طرز تفکری در بسیاری از کشورهای عربی به فراموش سپرده شده است. بنابراین طبیعی تر این است که با کشورهای عربی تعامل و رابطه صورت گیرد مثل دیدارمان از سوریه، سؤال این نیست که چرا از سوریه دیدار می‌کنیم بلکه چرا تاکنون از سوریه دیدار نکرده ایم؟

س: اما شما پذیرفتید که طبق قوانین اسرائیل در انتخابات شرکت کنید آیا این اقدام شناسایی اشغالگران نیست؟
بشاره: باید میان احزاب و جناحها فرق قایل شد زیرا بعضی ها در شبکه های ماهواره ای عربی به گونه ای صحبت می کنند و در تلویزیون اسرائیل به گونه ای دیگر. حتی در تعامل با اسرائیل یا گفته می شود که این کشور شیطان رجیم است و یا کشوری است متمدن و پیشرفته. آسانترین چیز، تنبلی فکری است. اما در زمینه عضویت در کنیست، این اقدام، آزمایشی است که خود را برای رویارویی با آن آماده کردم، یک سال و نیم با دوستانم در این باره فکر کردیم، آیا در

انتخابات شرکت کنیم یا نه؟ آیا با فرصت طلبان رودرو شویم یا نه؟ و این همان نکته ای است که در دو کتاب خود «جامعه ملی عربی» و «اعراب در اسرائیل نگاهی از درون» که در حال حاضر در دانشگاه‌های عربی تدریس می‌شود، ذکر کرده‌ام. هدف اساسی ما حفاظت از هویتمان در برابر ادغام در جامعه اسرائیل بود.

اسرائیلی، پاسپورت، پروانه کسب، آموزش، کار و درمان خود که همگی متعلق به این نظام سیاسی است چه کنیم؟ ضمن اینکه اگر مردم تریبون دیگری برای اخذ حقوق خویش بیابند به سویس خواهند رفت. اگر من هم از آنها دفاع نکنم تبدیل به یک اندیشمند صوفی مسلک می‌شوم و در آن زمان فلسطینیها مرا ترک خواهند کرد و به سمت احزاب صهیونیستی متمایل می‌شوند.

س: اما شما سوگند یاد کردید که به دولت اسرائیل وفادار بمانید؟

بشاره: خود اسرائیلی‌ها معتقدند که عزمی بشاره نباید در کنیست باقی بماند زیرا به اسرائیل وفادار نیست و با ادای سوگندی دروغین به ما می‌خندد و سپس برخلاف قوانین اسرائیل عمل می‌کند. اما این اقدام من به نوعی پیش گرفتن یک راه حل میانه بوده درست مثل حضور کمونیستها در پارلمانهای بورژوا در حالی که به هیچ وجه آن نظامهای سیاسی و قوانینشان را نمی‌پذیرفتند و همین حضور و عضویت بود که منجر به پیدایش سوسیال دموکراسی شد. ما می‌توانیم با حضور در کنیست مخالفت کنیم و لی با شناسنامه‌های

س: رابطه شما با گروههای مختلف فلسطینی و عربی چگونه است؟

بشاره: با همه گروههای عربی روابط مناسبی داریم. با جنبش حماس و دیگر گروههای اسلامی همواره در حال گفت و گو هستیم. با حزب الله لبنان مناسبات مهمی داریم. همچنین با گروههای ملی عربی که به اندیشه ملی ناصری نزدیک هستند مرتبط هستیم. با سوریه روابط محکمی داریم به طوریکه این رابطه اخیر به ما کمک کرد تا دیدگاههای فلسطین و سوریه را به یکدیگر نزدیکتر کنیم.

س: آیا یکی از دلایل سلب مصونیت

پارلمانی از شما حمایت از تروریستها
بویژه پس از یازدهم سپتامبر نبوده است؟
بشاره: این سخن بیهوده‌ای است زیرا

این اتهامات به طور قانونی اثبات نشده است.
تعریف ما از تروریسم با تعریف آنها بسیار
متفاوت است. ما معتقدیم که مقاومت علیه
اشغالگری اقدامی مشروع است و انتفاضه
یکی از اشکال مقاومت می باشد، ضمن اینکه
در زمانی که واجب بودن حمایت از انتفاضه
از سوی اعراب را اعلام کردیم، توضیح دادیم
که این کمترین کاری است که می توان
انجام داد. ما مقاومت را انتخاب کردیم زیرا
یک راه حل بینابین میان تسلیم شدن در برابر
اسرائیل و ورود به یک جنگ تمام عیار
قلمداد می شود.

س: و اتهام خیانت به اسرائیل و
همکاری با کشورهای دشمن...؟

بشاره: این اصطلاحاتی است که
راستگرایان افراطی آن را به کار می برند.
عبارت «خیانت به دولت اسرائیل» بسیار
خنده دار است زیرا مفاهیم ما با آنها کاملاً
متفاوت می باشد. اگر فردی به ملت خود
خیانت کرد، خائن است نه اینکه به دولت

اسرائیل خیانت کند. اما در مورد کشورهای
دشمن به نظر ما این کشورها هرگز دشمن
نیستند بلکه از بستگان و نزدیکان
ما می باشند.

س: پس علت اصلی سلب مصونیت
و احتمالاً محاکمه شما چیست؟

بشاره: در ورای این اتهامها،
انگیزهای سیاسی نهفته است. هدف
اسرائیلیها عزمی بشاره نیست بلکه آنها
گروهها و نیروهای عربی مبارز را که علیرغم
اجرای کلیه برنامه های یهودی سازی و
اسرائیلی شدن کماکان طی دهها سال بر
هویت عربی خویش پافشاری می کنند و برای
اسرائیل به عنوان خطری بزرگ تلقی
می شوند مد نظر قرار داده اند. این یک
سناریوی اسرائیلی از پیش طراحی شده است
که با سلب مصونیت من آغاز شده و سپس آنها
تلاش خواهند کرد تا این گروهها را از
اسرائیل اخراج کنند.

س: برای مقابله با این اقدامات چه
خواهید کرد؟

بشاره: از سه راه اقدام خواهیم کرد:

یکم. مردم از ما حمایت خواهند کرد و جهان متوجه خواهد شد که ما نماینده ملتمان هستیم و در صدد استیفای حقوق مردمان می‌باشیم؛

دوم. از راه قضایی اقدام خواهیم کرد و از طریق وکلای مدافع عرب و کارشناسان خارجی مبادرت به این کار خواهیم کرد؛ سوم. از طریق بین‌المللی. ما وارد عرصه بین‌المللی خواهیم شد و تزویر دموکراسی اسرائیل را اثبات خواهیم کرد.

تصمیمات پارلمان اسرائیل باعث شده است تا دموکراسی لیبرال به دموکراسی سیاسی نژادپرستانه که هدفی به جز از بین بردن هویت فلسطینیها ندارد، تغییر ماهیت دهد. ثابت می‌کنیم که اسرائیل نه تنها نظام آپارتاید را در کرانه غربی و غزه همچون دولت نژادپرست پیشین آفریقای جنوبی اجرا می‌کند بلکه حتی در داخل اسرائیل نیز مبادرت به نژادپرستی نموده است.

س: به عنوان آخرین سؤال اگر سخنی با اعراب در کلیه نقاط جهان دارید، بفرمایید.

بشاره: بار دیگر تأکید می‌کنم که در سرزمینی زندگی می‌کنیم که دارای تناقضات فراوانی است. ما با نقاط ضعف این کشور آشنا هستیم، می‌دانیم چگونه فکر می‌کنند و چگونه می‌شود با آنها مقابله کرد. علیرغم شرایط دشواری که داریم موفق به حفاظت از هویت، دین و قومیت خویش شده ایم و به نسل جوان که با سینه‌ای برهنه در برابر پلیس اسرائیل قرار گرفته و جانش را فدای انتفاضه‌ای کرده است که ما به آن امید بسته ایم و هرگز اجازه شکست خوردنش را نمی‌دهیم.

بیوگرافی دکتر عزمی بشاره:

متولد ۱۹۵۶ در روستای «ترشحه» فلسطین است، این روستا کاملاً نابود شده و به جای آن شهرکی اسرائیلی ساخته شده است. مرحله جوانی را در شهر الجلیل سپری کرد. جایی که فلسطینیان در ۳۰ مارس ۱۹۷۶ در برابر تجاوزات اسرائیل قیام کردند و پس از آن هر ساله مراسم «روز زمین» به همین مناسبت توسط مردم فلسطین برگزار می‌شود. او دارای دکترای فلسفه از دانشگاه «گوتنگن» آلمان. مؤسس حزب تجمع ملی دمکراتیک فلسطین و یکی از ۹ عضو عرب

کنیست است. او و دکتر احمد الطییبی تنها اعضاء
کنیست در دوره قبل بوده اند.

سلب مصونیت پارلمانی وی در ماه نوامبر
گذشته صورت گرفت. این برای نخستین بار، از زمان
مشارکت اعراب در کنیست از نیمه های دهه پنجاه با
حزب کارگر و سپس با حزب کمونیستی اسرائیل است
که از یک نماینده عرب سلب مصونیت می شود.

حوادث ۱۱ سپتامبر، مبارزه با تروریسم و دیدگاههای متفاوت در یک بررسی مقایسه ای

هرالد تریبون اینترنشنال ۲۰ دسامبر ۲۰۰۱

ترجمه و تنظیم: علی رستمی

پژوهشگر

حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در امریکا

که منجر به فروریختن دوبرج بلند تجاری این
کشور در نیویورک و کشته شدن هزاران نفر
گردید، تحولات گسترده ای را در پی داشت
به نحوی که بسیاری از این واقعه تحت عنوان
سرآغاز عصر تازه ای در تاریخ جهان یاد
کردند.

با توجه به ابعاد و شدت واکنش های
ایالات متحده امریکا و دولتهای مختلف
جهان در قبال این مسئله، ظاهراً ایالات
متحده اجازه یافت که سرزمین افغانستان را
مورد حمله قرار دهد تا عاملین فروریزی
برجهای تجاری امریکا و حمله به بخشی از
ساختمان پنتاگون را تحت عنوان مبارزه با
تروریسم از میان بردارد. بر اثر همین حملات
بود که سیستم حکومت طالبان در افغانستان
فروریخت و با شکل گیری دولت جدید